

تجربه‌ی زیسته‌ی زنان از سبک زندگی خانه‌داری (مطالعه‌ی موردی شهر دیلم)

داریوش رضاپور* آسیه اسمعیلی فرد**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی زنان از سبک زندگی خانه‌داری در شهر دیلم انجام شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش را ۱۸ نفر از زنان ۲۲ تا ۶۰ ساله ساکن این شهر تشکیل می‌دهند. محققین در این پژوهش کیفی از رویکرد پدیدارشناسی و تکنیک مصاحبه‌ی عمیق برای جمع‌آوری اطلاعات بهره برده‌اند. طبق یافته‌های پژوهش، شهر دیلم جامعه‌ای در حال گذار از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن بوده و شاخص‌های مدرنیته همانند مشارکت و پیشرفت در بین زنان جوان بیشتر دیده می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زنان با توجه به تجربه‌های فردی و اجتماعی خود، خانه‌داری را درک و تفسیر می‌کنند. علاوه بر این چگونگی مسئولیت‌پذیری و الگوبرداری مذهبی زنان در پذیرش نقش خانه‌داری و درونی کردن هنجارهای خانه‌داری نقشی اساسی دارد. میزان رضایت و یا نارضایتی زنان از خانه‌داری متأثر از رضایت از زندگی زناشویی و تصور آنها نسبت به جایگاه مادری است. همچنین شاخص قدرت در خانواده در تمکین زنان از مردان در امور خانه نقش مهمی ایفا می‌کند. در نهایت، زنان شیوه‌های گوناگونی همانند ادامه‌ی تحصیل، شرکت در مراسم‌های مذهبی، حضور در باشگاه‌های ورزشی و مهمانی‌های خانوادگی را برای رضایت و ارتقاء سبک زندگی‌شان به کار می‌برند.

واژگان کلیدی

تجربه‌ی زیسته، رضایت‌مندی، سبک زندگی، خانه‌داری، شهر دیلم

*. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول) (d.rezapour@gmail.com)

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (a30yeesmaeili@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۱

۱- مقدمه و بیان مسئله

خانواده هسته‌ی اصلی جامعه است که برای سامان یافتن، به رسیدگی‌هایی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و خدماتی ویژه‌ای از سوی اعضای آن نیازمند است. پرداختن به این امور در خانواده همانند هر گروه دیگری معمولاً با نوعی تقسیم‌کار همراه است (امین‌فر، ۱۳۹۳: ۱۲۲). با وام‌گیری از نظر وبر، زنان به عنوان یک گروه اجتماعی از سبک زندگی ویژه‌ای برخوردارند و الگوهای ویژه‌ای را براساس هر یک از ابعاد سبک زندگی در خانواده و اجتماع دارند (صفری شالی و حبیب‌پور گتایی: ۱۳۹۸). در دنیای امروز مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی رو به رشد است، اما از یک سو سنت‌های ریشه‌دار اجتماعی و دینی، زنان را به سوی حفظ ارکان خانواده دعوت می‌کند و از سوی دیگر هنجارهای جهان مدرن آنها را به مشارکت اجتماعی و حضور هرچه بیشتر در جامعه فرامی‌خواند. بسیاری بر این عقیده‌اند که اشتغال زنان با اخلاق جامعه منافات دارد، برخی دیگر بر این باورند که خروج زنان از خانه موجب رقابت آنها با مردان و اشتغال آنها موجب بیکاری مردان می‌شود. بعضی نیز بر این اندیشه‌اند که اشتغال زنان موجب کم‌توجهی آنها به وظایف همسری می‌شود و باعث افزایش طلاق می‌شود یا موجب کم‌توجهی به وظایف مادری‌شان و آسیب دیدن نسل آینده خواهد شد (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۸۹).

آندره میشل^۱ با مطالعات خود در کشورهای مختلف نتیجه می‌گیرد که حتی اگر زن در بیرون خانه کار کند، سنگین‌ترین وظایف مربوط به کار خانه را بر دوش دارد و شوهرش در کار خانه به او یاری نمی‌رساند. تعدد وظایف تنها مسئله‌ی زنان امروز نیست، بلکه از دید زنان شاغل، پدیده‌ی خاص عصر حاضر، تنوع و تعارض این وظایف است (میشل، ۱۳۵۴: ۱۵۷).

خانه‌داری شاید در ابتدا مفهومی بدیهی و مانوس به نظر برسد، اما در واقع همین واژه آبشخور چالش‌های عمیق فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... فراوانی است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، خانه‌داری از نمودهای تقسیم‌کار جنسیتی است. در تقسیم‌کار جنسیتی از زنان و مردان انتظار می‌رود، فقط به دسته‌ی خاصی از کارها که از قبل تعیین شده است و به اختیار خود شخص نیست، بپردازند. در این تقسیم‌بندی، زنان مسئول کارهای خانه و خانه‌داری و بزرگ‌کردن بچه‌ها هستند و مردان نان‌آوری اهل خانه را برعهده دارند که در بیشتر موارد وابستگی مالی زنان به مردان دیده

1. Andree Michel

2. Gender division of labor

می‌شود. آن اُکلی^۱ در کتاب‌های مهم خود زن خانه‌دار^۲ و جامعه‌شناسی خانه‌داری، خانه‌داری را مسئله‌ای مهم و به‌عنوان «کار» مطرح کرد (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۱۲۹-۱۲۴).

پرداختن به ارزش‌گذاری خانه‌داری، ظرایف و ابعاد متعددی دارد، هرچند برخی معتقدند با نگاه اقتصادی، خانه‌داری نوعی شغل است و ارزش مالی دارد، زیرا گذشته از بررسی کیفی نقش خانه‌داری - به‌عنوان محور تعلیم و تربیت - حضور زنان در خانه به معنای انجام دادن برخی امور خدماتی است که ارزش اقتصادی دارد؛ از این‌رو محاسبه‌ی کمی ارزش اقتصادی کار زنان در خانواده افزون بر تأثیر در شاخص‌های توسعه‌ی انسانی، پیامدها و اثرات مثبت حقوقی و فرهنگی برای زنان دربر خواهد داشت (ندری ایبانه، ۱۳۸۵: ۹۴-۹۲).

علاوه بر این، زنان در مولد بودن و خلاقیت امور مربوط به خانه گاهی دچار شک و تردید می‌شوند و از طرف دیگر نیز مقایسه با زنان شاغل زمینه‌های سرخوردگی و ناامیدی را برای آنها فراهم می‌کند، اما زنان خانه‌دار از آن حیث که برای طرح مسائل خود شبکه‌ها و فضاهای اجتماعی ندارند، به نظر می‌رسد بسیاری از مسائل مربوط به آنها نامرئی و پنهانی باقی می‌ماند و به‌نوبه خود می‌تواند زمینه‌های ناامیدی، افسردگی و سرخوردگی را برای آنان ایجاد کند. بر این اساس این مسئله می‌تواند در میزان کیفیت و رضایت‌مندی از زندگی و تلقی آنان از سطح زندگی‌شان مؤثر باشد. هرچند کیفیت زندگی از دیدگاه افراد، در موقعیت‌های مختلف متفاوت بوده و به رضایت‌مندی فرد از زندگی بازمی‌گردد و به عواملی مانند: سن، فرهنگ، جنسیت، تحصیلات، وظایف طبقاتی، محیط اجتماعی و وضعیت تندرستی مربوط می‌شود (کرمان ساروی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

مطالعات جامعه‌شناسانه نشان می‌دهد، نقش زن خانه‌دار پیچیده و شکننده است به این معنا که گروهی از زنان آن را ارضاکننده می‌دانند، گروهی دیگر آن را یکنواخت و آزاردهنده ارزیابی می‌کنند (بدری منش و صادقی فسایی، ۱۳۹۳: ۱). در مورد خانه‌داری، همواره نوعی تناقض آشکار در جامعه‌ی ما وجود داشته است؛ از سویی خانه‌داری و وظایف مادری مطلوب فرض می‌شود و آن را در هاله‌ای از تقدس پنهان می‌کنند و از سوی دیگر، کار خانه نوعی کار پیش‌پاافتاده و بی‌ارزش تلقی می‌شود که فقط زنان باید آن را انجام دهند و اگر مردی بخواهد روزی کار خانه‌داری انجام دهد، نه تنها مقبول اطرافیان خود نخواهد بود، بلکه سرزنش نیز می‌شود. در این راستا شهر دیلم واقع در شمال استان بوشهر با جمعیتی بالغ بر ۳۵ هزار نفر که حدود نیمی از آنها را زنان تشکیل می‌دهند، با توجه به اقتصاد دریامحور (صید و تجارت) در حافظه‌ی تاریخی خود حیاتی مردانه به

1. Ann Oakley
2. Housewife

یادگار گذاشته است. هرچند که در گذشته با توجه به نبود امکانات، زنان نوعی مشارکت محلی به نسبت اجباری در امور روزمره داشته‌اند، اما با چشیدن تجربه‌ی مدرنیته و مجهز شدن به امکانات شهری کم‌کم این همیاری‌ها رنگ‌باخته و زنان هرچه بیشتر به سمت فردی شدن و خانه‌داری رفته‌اند. از طرف دیگر، نبود فضا و فرصت مشارکت در جامعه و موانع فرهنگی نیز بر این مسئله دامن زده به طوری که از نظر مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در سطح پایینی قرار دارند و این امر به پیدایش آسیب‌های اجتماعی و روانی ناشی از سبک زندگی خانه‌داری منجر شده است. با توجه به مطالب بالا تصویر واقعی خانه‌داری و نگرش زنان نسبت به آن همواره جای بحث بوده است. این پژوهش کیفی قصد دارد با روشی پدیدارشناسانه و بر اساس تجربه‌ی زیسته‌ی^۱ زنان از خانه‌داری به واقعیت موجود را تفسیر کند و به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که زنان در این وضعیت چه چیزی را تجربه می‌کنند؟ چه درکی از این وضعیت دارند؟ این وضعیت برای آنها به چه معناست؟

۲- پیشینه‌ی پژوهش

قادرزاده و خلقی در پژوهشی با عنوان «زنان و تجربه‌ی طرد اجتماعی (مطالعه‌ی کیفی زنان خانه‌دار شهر سنندج)» با بررسی تجربه‌ی زیسته‌ی زنان از خانه‌داری، زمینه‌ها، تعاملات و پیامدهای طرد اجتماعی در بین زنان خانه‌دار ۲۲-۴۶ سال سنندجی را واکاوی و شناسایی کردند. نتایج نشان داد، زمینه‌هایی چون کلیشه‌های جنسیتی و شی‌عواری شدن خانه‌داری در طرد اجتماعی زنان خانه‌دار نقش دارند. در این میان، روزمرگی و یکنواختی خانه‌داری به‌مثابه زمینه‌ی تسهیلگر و دوقطبی شدن فضای خانواده و تقلیل هویت به‌منزله‌ی شرایط مداخله‌گر عمل کرده‌اند. بازسازی معنایی تجربه و درک زنان خانه‌دار از خانه‌داری بر زوال حریم شخصی و آزادی‌های فردی، مراقبت و کنترل بیرونی و تزئینی شدن عرصه‌های تصمیم‌گیری دلالت دارد. بر اساس مطالعه‌ی حاضر تجربه‌ی خانه‌داری برای زنان خانه‌دار اختلال رابطه‌ای، نارضایتی، یأس اجتماعی، انزوای اجتماعی و سلب قدرت در پی داشته است (قادرزاده و خلقی، ۱۳۹۷: ۴۲-۷).

بدری‌منش و صادقی فسایی در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل جامعه‌شناختی رضایت‌مندی زنان از خانه‌داری (نمونه موردی شهر تهران)» میزان رضایت زنان نسبت به خانه‌داری را بررسی کردند. نتایج پژوهش بیان‌گر آن است که زنان شاغل و خانه‌دار کار خانه را کاری واقعی تعریف می‌کنند و انتظاراتی که از کار دارند این است که اولاً استقلال مالی و امنیت خاطر آنها را حفظ

1. Lived experience

کند که شامل همان نیازهای سطح اول رضایت‌مندی شغلی (نیازهای حیاتی و زیستی) است و در مرحله‌ی بعد، کار هم باعث پیوندشان با دیگران شود و آنها را از انزوا دور کند و هم نتیجه‌ی کارشان در اختیار کسی (همسر) قرار گیرد که به او عشق می‌ورزند که با نیازهای سطح دوم رضایت‌مندی (نیازهای ارتباطی) مطابقت دارد و درنهایت، کار، توان و استعداد آنها را به کار گیرد که همان نیازهای سطح سوم رضایت‌مندی (نیاز به شکوفا شدن استعدادها) است (بدری منش و صادقی فسایی، ۱۳۹۳: ۲۰-۱).

شیکمن و کوپر در پژوهشی با عنوان «رضایت‌مندی از زندگی و مفهوم نقش جنسیت» رابطه‌ی بین رضایت‌مندی از زندگی و مفهوم نقش جنسیت را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد که رضایت عمومی در زندگی به‌عنوان کارکردی از سطح رضایت‌مندی حاصل از جنبه‌های مختلف زندگی است، به‌خصوص جنبه‌هایی که به‌عنوان مهم‌ترین آنها انتخاب شدند. مطابق با پژوهش‌های پیشین، رضایت عمومی از زندگی با سطح تحصیلات، درآمد و ازدواج ارتباط مثبت دارد. از لحاظ روانی، مردان جنبه‌های ابزاری سودمند و لذت‌بخش زندگی و زنان جنبه‌های عاطفی-اجتماعی را بیشتر انتخاب می‌کنند و دوجنسیتی‌ها هم جنبه‌های عاطفی-اجتماعی و هم جنبه‌های ابزاری زندگی را انتخاب می‌کنند (Shichman and Cooper, 2004: 227-240).

جان و ماسود در پژوهشی با عنوان «ارزیابی رضایت از زندگی در میان زنان» رضایت از زندگی در میان زنان جامو و کشمیر را ارزیابی و تأثیر ویژگی‌های اجتماعی و فردی زنان در رضایت آنها از زندگی را تحلیل کرده‌اند. یافته‌ها نشان داد، رضایت از زندگی به‌طور گسترده شامل تأیید، حمایت، قدردانی و یا از زندگی شخصی لذت بردن است. همچنین نتایج نشان داد که رضایت از زندگی در بین زنان در تمام سطوح سنی در حد متوسطی است. پیداست که با افزایش سن، رضایت کلی از زندگی کاهش می‌یابد، درحالی‌که با افزایش درآمد شخصی، رضایت از زندگی افزایش می‌یابد. علاوه بر این، با افزایش درآمد خانواده رضایت از زندگی در بین زنان نیز افزایش می‌یابد (Jan and Masood, 2008: 33-42).

دیکسیت و خان در پژوهشی با عنوان «عزت‌نفس و رضایت از زندگی: بررسی مقایسه‌ای زنان شاغل و زنان خانه‌دار» تفاوت بین رضایت از زندگی و عزت‌نفس در بین زنان شاغل و زنان خانه‌دار را بررسی کرده‌اند. نمونه‌ی پژوهش شامل ۶۰ نفر از زنان با دامنه‌ی سنی ۳۰-۵۵ سال است که با استفاده از روش تصادفی هدفمند انتخاب شده‌اند. نتایج نشان داد که عزت‌نفس به ارزیابی از خود و احساسی که شخصی نسبت به خود دارد، اشاره می‌کند. به‌طوری‌که افراد با عزت‌نفس مثبت احساس خوشبختی می‌کنند. رضایت از زندگی در بین زنان شاغل در مقایسه

با زنان خانه‌دار بیشتر است، اما تفاوت چندانی بین عزت‌نفس زنان شاغل با زنان خانه‌دار وجود ندارد (Dixit and Khan, 2013).

مروری بر پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که بیشتر آنها وضعیت خانه‌داری در ارتباط با مؤلفه‌هایی مانند طرد اجتماعی و رضایتمندی در میان گروه‌های خاصی از زنان و مقایسه آنها با همدیگر با رویکرد کمی را بررسی کرده‌اند. از این رو با توجه به موقعیت مکانی (شهری مرزی و بندری) و زمانی (گذار از سنت به نوگرایی) جامعه‌ی مورد مطالعه شایسته است تا مؤلفه‌های دیگری مانند مشارکت، پیشرفت و ... ذیل مفهوم خانه‌داری ملاحظه شود. نوشتار حاضر بر آن است تا این موضوع را از نقطه‌نظر گروه متنوعی از زنان اعم از شاغل و غیرشاغل با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی مطالعه کند.

۳- ملاحظات نظری

محققان کیفی برخوردار از چارچوب نظری از قبل تعیین شده را برای تحقیق مضر می‌دانند، زیرا ممکن است محقق را بسیار محدود کرده و موجب غفلت او از دیدگاه افراد مورد مطالعه درباره‌ی آنچه در حال وقوع است، شود (ایمان، الف، ۱۳۹۳: ۱۷۷). با وجود این، آنها در تحقیقاتشان از متون نظری تنها به منزله‌ی منابع احتمالی ایجاد سؤال، منبع ثانویه‌ی داده‌ها و راهنمای نمونه‌گیری نظری استفاده می‌کنند (استروس و کوربین، ۱۳۸۷: ۴۶). بنابراین با توجه به اینکه پژوهش پیش رو با روش کیفی و پدیدارشناسی انجام شده است، محققان خود را به مبنای نظری از پیش تعیین شده محدود نکرده‌اند و نظریه‌های پیش رو بیشتر در باب تبیین نتایج به دست آمده استفاده شده است. پدیدارشناسی به جهان آنچنان که به وسیله‌ی یک فرد زیسته می‌شود - نه جهان واقعیتی که چیزی جدای از انسان باشد - توجه دارد. جهان زندگی همان تجربه‌ای است که بدون تفکر آزادی و بدون متوسل شدن به طبقه‌بندی کردن یا مفهوم‌سازی حاصل می‌شود و معمولاً شامل چیزهایی است که مسلم دانسته می‌شوند یا آن چیزهایی که متداول هستند. ون مانن^۱ از نظریه پردازان پدیدارشناختی است که از مفهوم تجربه‌ی زیسته استفاده می‌کند. به باور او این قلمرو چهار وجه اصلی دارد که عبارت‌اند از: بدن زیسته، زمان زیسته، مکان زیسته و روابط انسانی زیسته. روابط انسانی زیسته - که ضلع چهارم این مربع را تکمیل می‌کند - بر همه‌ی رابطه‌هایی دلالت دارد که هر یک از ما در طول زندگی با دیگران داشته‌ایم و زمان و مکانی را با آنها شریک بودیم. همه‌ی

1. Van Maanen.

کسانی که در زندگی در قالب نقشی معین در اندیشه و احساس ما تأثیر گذاشته و از ما تأثیر پذیرفته‌اند (Kavas, 2010:89).

قشربندی جنسی با اولویت و تقدم موقعیت مردان بر زنان، از اصلی‌ترین اصول رایج در جوامع فرصت‌هاست و در شانس‌های زندگی تأثیر بسزا دارد. مردان در نقش انسان‌های فعال، خلاق، همچون نقش پیروزمندان، مبتکران یا هنرمندان بزرگ ظاهر می‌شوند. زنان به‌عنوان خانه‌دار و مادر جلوه یافتند و نقش‌هایشان در چارچوب خانه و به رفع نیازهای شوهران و بچه‌ها محدود شده است (براون، ۱۳۸۵: ۴۱). از دیدگاه پارسونز^۱ خانواده پاره‌ای از نظام کل جامعه است که بر مبنای تفکیک نقش‌های جنسی بنا شده است. تفکیک نقش‌ها به حفظ نظام خانوادگی و وحدت آن کمک می‌کند و مبنای اجتماعی کودک است. نقش اقتصادی و شغل مرد تعیین‌کننده‌ترین پایگاه حقوقی او در خانواده بوده و خانه‌داری اساسی‌ترین فعالیت و نقش زن است. اشتغال زن علاوه بر آن که موقعیت عاطفی زن در خانواده را متزلزل می‌کند، به سبب رقابت شغلی زن با شوهر به ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌انجامد (Parsons, 1995: 45).

۹۵

اعضای یک جامعه از این نظر که کیفیت زندگی تا چه حد بر آنها تأثیر می‌گذارد، متفاوت هستند. در این باره فلانگان^۲ بر این باور است که این اختلاف نظر به‌خصوص در میان گروه‌های سنی و جنسی مشاهده می‌شود. چون افراد از این نظر که کدام بُعد اهمیت بیشتری در کیفیت زندگی آنها دارد، متفاوت‌اند. وی معتقد است که گروه‌بندی کیفیت زندگی با رفاه مادی و تأمین مالی، ارتباط با سایر اعضای خانواده، فعالیت‌های اجتماعی و جمعی و اجتماعی شدن در ارتباط نزدیک است (مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۱۲۱).

به عقیده‌ی فمینیست‌ها، امروزه به زنان به خاطر جنسیتشان ستم می‌شود و به نیازها، خواسته‌ها، منافع و توانایی‌هایشان توجه نمی‌شود و برای نیازهای فردی آنها محدودیت خاصی مقرر می‌کنند. زنان از حقوق مساوی با مردان محروم‌اند و آزادی‌هایی که برای مردان وجود دارد از گروه زنان دریغ شده است. هدفی که فمینیست‌های لیبرال^۳ دنبال می‌کنند اثبات این نکته است که تفاوت‌های مشاهده شده میان دو جنس ذاتی نیست، بلکه نتیجه‌ی جامعه‌پذیری و همگون‌سازی جنس و نقش است. تفاوت رفتار با دختران و پسران کم‌وبیش از بدو تولد آغاز می‌شود و از شکوفایی کامل ظرفیت‌های انسانی جلوگیری می‌کند (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۲۸۸). آنها معتقدند که کار خانگی کاری

1. Parsons

2. Flanagan

3. Liberal Feminists

است ظالمانه، زیرا ارزش واقعی این کار شناخته نمی‌شود. زنان با صرف وقت زیاد سعی می‌کنند تا پوچ بودن کار خانگی را پنهان کنند و جامعه نیز با شعار جای زن در خانه است در حفظ این موقعیت تلاش می‌کند. در حالی که فمینیست‌های مارکسیست^۱، زنان خانه‌دار را ارتش ذخیره‌ی نیروی کار می‌دانند. آنها در بی‌اهمیت شمردن کار زنان در جامعه‌ی سرمایه‌داری به خشم آمده‌اند و معتقدند کار زنان نه تنها جلوه‌ای از مناسبات تولیدی است، بلکه در حفظ معیارهایی که زندگی را برای مردان تحمل‌کردنی می‌کند، سهم دارد. فمینیست‌های رادیکال^۲ نیز بر این باورند که به نفع مردان است که زنان کارهای خانه را انجام دهند. مردان برای گذران زندگی کار می‌کنند و انتظار دارند که در کنار درآمدی که از شغلشان به دست می‌آورند همسری نیز به خدمت داشته باشند. به نظر آنها، مردان از کار رایگان زنان در خانه سود می‌برند و از این جهت به شدت به حفظ تقسیم‌کار جنسیتی علاقه‌مندند (ساعی ارسی و نیک‌نژاد، ۱۳۸۹: ۳۵ و ۳۶).

بورديو در آثار مختلف خود به‌ویژه در سیه‌روزی جهان، رنج اجتماعی اشخاص و خانواده‌هایی را بازگو می‌کند که به سبب تغییرات تحمیل‌شده در زندگی به‌ویژه از سوی میدان قدرت این بار فراتر از فقر مادی به شکل «ناسازگاری و گسست بین عادت‌واره و میدان‌ها» آنها را گرفتار کرده است. ازدواج و زندگی زناشویی، مهاجرت، مداخلات و سیاست‌های دولت، ظهور فناوری‌های جدید، افول شرایط اقتصادی و دگرگونی در مشاغل، مجموعه عواملی است که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف میدان‌های خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را دستخوش تغییر کرده و توانمندی‌ها و منابع افراد را برای سازگاری با شرایط جدید با بحران مواجه کرده و آنها را به مصائب زیاد از جمله انزوای اجتماعی، حاشیه‌نشینی و تنهایی، بیکاری، سرخوردگی، احساس محرومیت و بیهودگی و ... دچار کرده است (گرنفل، ۱۳۸۹: ۲۸۵).

چنان‌که بیان شد، درباره‌ی سبک زندگی خانه‌داری می‌توان به نظریه‌ها و رویکردهای مطرح‌شده مراجعه و استناد و از آنها به‌عنوان نظریه‌های ارجاعی در تمام مراحل پژوهش استفاده کرد. درعین حال با توجه به کیفی بودن پژوهش هیچ‌کدام از آنها به‌عنوان چارچوب تئوریک تحقیق انتخاب نشده‌اند. هرچند که تلاش شده در تمام مراحل تحقیق با کاربرد مفاهیم حساس و ارجاع به نظریه‌های مرتبط، ارتباط با دانش موجود حفظ شود.

1. Marxist Feminists
2. Radical Feminists.

۴- روش پژوهش

هدف اصلی روش تحقیق پدیدارشناسی توصیفی، خلق توصیفی جامع از پدیده‌ی تجربه‌شده برای دستیابی به درک ساختار ذاتی آن پدیده است. بر این اساس برای انجام پژوهش از روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شده است. در فرایند تحقیق پدیدارشناسانه، مسئله‌ی پدیدارشناسی اساساً به دنبال چیستی معنای پدیده‌ای خاص یا بررسی ذات و ماهیت پدیده‌ها و تجربیات است و نیازمند شناسایی آن از ذهن افرادی است که با این موارد درگیرند (ایمان، ب، ۱۳۹۳: ۳۲)؛ لذا روش پدیدارشناسی به ما کمک می‌کند تا ابعاد پنهان زندگی مشارکت‌کنندگان را دریابیم؛ چراکه هر یک از آنها تجربه‌ی زیسته‌ی متفاوتی دارند و این مسئله می‌تواند به پژوهش‌گر کمک کند تا دریابد که زنان در شرایط متفاوت چه درک و تصویری از خانه‌داری دارند. برای انتخاب نمونه‌ی مورد مطالعه از روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ استفاده شده است. در این نوع نمونه‌گیری، حجم نمونه به اشباع نظری^۲ سوالات بررسی شده بستگی دارد، بدین ترتیب که هرگاه پژوهشگر به این نتیجه برسد که پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به همدیگر شباهت دارند و داده‌های جدیدی به دست نمی‌دهد، تعداد مصاحبه‌ها را کافی دانسته و دست از مصاحبه می‌کشد (Sandelowski, 1986: 57). در این راستا، برای جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از تکنیک مصاحبه‌ی عمیق از زنان خواسته می‌شد تا تجربه‌ی زیسته‌ی خود را از خانه‌داری بیان کنند. در نهایت، تعداد ۱۸ مصاحبه با زنان در سنین ۲۲ تا ۶۰ سال انجام شد که بعد از این تعداد مصاحبه محققین به اشباع نظری رسیدند. در نهایت، استحکام و دقت مطالعه با استفاده از معیارهای قابلیت اعتبار، قابلیت اطمینان و مطابقت یا عینیت داشتن بررسی شد.

در این پژوهش، داده‌ها طبق رویکرد پدیدارشناسی توصیفی- کلایزی^۳ تحلیل شد. مدل پیشنهادی کلایزی شامل هفت مرحله بود که گام‌های آن عبارت‌اند از: ۱- در ابتدا تمام توصیف‌های ارائه‌شده از سوی مشارکت‌کنندگان در پژوهش چندین مرتبه خوانده شد تا محتوای کلی آن درک شود؛ ۲- در مرحله‌ی بعد با مراجعه به تمام توصیف‌های ارائه‌شده، جملات و عبارات مهم که به پدیده‌ی مطالعه شده مستقیم مرتبط بودند، استخراج شدند؛ ۳- سپس تلاش شد تا به معنای هر یک از جملات مهم پی‌برده شود. پس از آن معانی بیرون کشیده شده از جملات باهم ترکیب شدند و یک معنی مشترک حاصل شد؛ ۴- در مرحله‌ی چهارم، مراحل قبل برای هر جملات مهم تکرار

1. Purposeful Sampling .
2. Theoretical Saturation.
3. Collaizi.

شد و معانی فرموله شده و مرتبط به هم در خوشه‌هایی از تم‌ها (موضوعات اصلی) قرار داده شد؛ ۵- در مرحله‌ی بعد مفاهیم کلیدی اطلاعات که به اتفاق نشر محقق انتخاب شده بودند، روایت‌وار (به‌منظور بیان یافته‌ها در قالب جملات بدون ایهام) نوشته شدند؛ ۶- سپس با مراجعه‌ی مجدد به هر یک از مشارکت‌کنندگان، نظر آنها در مورد یافته‌ها پرسیده شد و نسبت به اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها، اقدام شد؛ ۷- به‌منظور تعیین قابلیت پیگیری، پژوهشگران از فعالیت‌های روزانه فرایند پژوهش، گزارش کتبی تهیه کردند و تجربه‌ی شخصی محقق در برخورد با مشارکت‌کنندگان ثبت شد (Colaizzi, 1978:48).

۵- یافته‌های پژوهش

این بخش بر اساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی با ۱۸ زن خانه‌دار گردآوری شده است. پرسش‌های پژوهش شامل طیفی از سؤالات مربوط به تجربه‌ی زیسته‌ی زنان از خانه‌داری، چگونگی ارزیابی آنها از کارهای خانگی، نگرش زنان نسبت به خانه‌داری، دل‌بستگی به کارهای خانه، روایت آنها از مسائل مربوط به خانه‌داری و ... است که مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به آنها پاسخ داده‌اند. در ادامه نتیجه‌ی تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها به تفصیل بیان می‌شود.

۱-۵- خانه‌داری و تداوم نقش

یکی از مقوله‌های که در استمرار و علاقه به خانه‌داری نقشی اساسی دارد، روند اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری زنان است. افراد با انتقال ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به نسل بعد به‌نوعی آنها را برای زندگی بهتر آماده می‌کنند. تقریباً در تمام جوامع، زنان نخست مسئول خانه‌داری و مراقبت از بچه‌ها هستند. این تصور چنان نافذ و بدیهی است که به‌ندرت درباره‌ی آن تردید یا اعتراضی می‌شود. از این‌رو مسئولیت خانه‌داری و مراقبت از کودکان، به‌صورت طبیعی و هنجاری پذیرفته‌شده، بر عهده‌ی زنان گذاشته‌شده و والدین دختران را از دوران نخست زندگی برای چنین امری تربیت می‌کنند (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۵: ۱۹). در این پژوهش زنان خانه‌دار معتقدند، این مسئولیت را والدینشان به آنها یاد داده و آنها نیز تمام تلاش خود را به‌کار می‌گیرند تا نسل بعد را از این امور آگاه کنند. در این باره آمنه^۱ ۶۰ ساله، متأهل و مغازه‌دار می‌گوید:

خانه‌داری یعنی اداره کردن خانه، تربیت بچه‌ها، سازش. من از بچگی خانه‌داری را از مادرم یاد گرفتم. لیف می‌بافتم تا هم پس‌اندازی داشته باشم و هم کمک‌خرج خانواده باشم. من به زندگی این جور عادت کرده‌ام و دخترهایم هم شبیه خودم هستند.

۱. بنا بر ملاحظات اخلاقی، در این پژوهش از اسامی مستعار استفاده شده است.

سمیه ۲۶ ساله، با مدرک لیسانس و صاحب یک فرزند، در مصاحبه‌ی خود چنین می‌گوید:

خانه‌داری کاری است که اگر روزی انجامش ندی همه‌چیز بهم می‌خوره. صبح که از خواب بیدار می‌شم به فکر نهار هستم، بعدش به بچه‌ام در درسش کمک می‌کنم. سعی می‌کنم بچه‌ام هم مثل خودم باشن. درحالی‌که زن برادرم توی اداره کار می‌کنه و وقت چنین کارهای رو نداره....

نقش به معنای سلسله رفتارهایی است که از افرادی سر می‌زند که موقعیت خاصی در وضع اجتماعی دارند یا درصدد داشتن آن هستند. به عقیده‌ی گیدنز، افراد از طریق فرایند مستمر کنش متقابل اجتماعی به درک و پذیرش نقش‌های اجتماعی نائل می‌شوند و این صحیح نیست که بپنداریم افراد تنها نقش‌ها را می‌پذیرند و در خلق آنها هیچ تأثیری ندارند (گیدنز، ۱۳۸۹). با این نگاه، خانه‌داری کنشی است که از یک‌سو جامعه برای افراد تعریف می‌کند و از سوی دیگر ایفاگران این نقش در تداوم آن سهم عمده‌ای دارند.

۲-۵- خانه‌داری و حس مفید بودن

به باور کارکردگرایان نقش‌های جنسیتی مردان و زنان مکمل یکدیگر انگاشته می‌شوند؛ مردان «نقش ابزاری» بر عهده می‌گیرند که شامل آماده کردن حمایت مالی برای خانواده از راهکار مزدبگیری می‌شود و زنان «نقش اظهاری» که نگهداری از شوهر و فرزندان را دربردارد (بر، ۱۳۸۳: ۱۲۴). بر این اساس همان‌گونه که کسب درآمد برای خانواده لازم است فعالیت‌های خانه‌داری نیز جنبه‌ی پشتیبانی یا تدارکاتی دارد. توران ۴۳ ساله و صاحب ۴ فرزند در این باره می‌گوید:

...خانه‌داری بخشی از زندگی زنان است. مشکل این است که برخی فکر می‌کنن هر کاری رو نمی‌تونن انجام بدن. من وقتی کارهای خونه رو انجام میدم حالم خیلی بهتر میشه و حس می‌کنم مفیدم...».

طبق مصاحبه‌ی فوق زنان شاغل کمتر خانه‌داری را به صورت وظایف مربوط به امور خانه تعریف می‌کنند و نوعی تقسیم کار در بین آنها وجود دارد و خانه‌داری را بیشتر با ارزش‌ها و اهداف نهایی مثل رسیدن به آرامش، عشق و... توصیف می‌کنند. برای مثال فهیمه ۴۶ ساله، خانه‌دار و لیسانس در مصاحبه‌ی خود چنین می‌گوید:

...تا وقتی آدم از کارش لذت نبره اون رو انجام نمیده. من از خونه داری لذت می‌برم چون فکر می‌کنم با این کار به مقامی رسیدم....

به باور اسکینر^۱ مردم تصمیم‌ها و انتخاب‌هایشان را بر اساس پاداش‌های دریافت شده و هزینه‌های پرداخت شده می‌گیرند و در جهت افزایش پاداش‌ها و کاهش هزینه‌ها می‌کوشند (Benokraitis, 2007:204).

۳-۵- خانه‌داری و کسب منزلت

یکی از مقوله‌های که از تحلیل گزاره‌های مصاحبه‌ها به دست آمده، منزلت خانه‌داری در جامعه‌ی مطالعه شده است. مشارکت زنان شهر دیلم در فعالیت‌های اقتصادی همانند سایر نقاط دنیا رو به رشد است، اما سنت‌های ریشه‌دار اجتماعی و دینی آنها را به سوی حفظ ارکان خانواده دعوت می‌کند. تصویری که زنان از خود (خانه‌داری و شغل بیرون از خانه) دارند، متأثر از نگاهی مثبت و منفی است که اعضای جامعه نسبت به این پدیده دارند. سارا ۵۲ ساله و خانه‌دار که در خانه لابیات محلی می‌فروخت، در مصاحبه‌ی خود گفت:

خانه‌داری یعنی مسئولیت. زندگی و خانه‌داری سختی‌های خودش را دارد چون با وجود بچه کوچک داشتن کار در خانه سخت است. شوهرم خیلی احترامم رو داره و دخترهام در آشپزی و خانه‌داری بهم کمک می‌کنن. با این کار ارزشمند بودن زن در خانه را نشون می‌دم.

این در حالی است که مریم ۲۴ ساله نگاهی منفی به خانه‌داری دارد و می‌گوید:
... نمی‌خواهم مثل مادرم باشم، می‌خواهم بیرون از خانه کار کنم و فعالیت اجتماعی داشته باشم.
آدم وقتی شاغل باشه ارزشش بیشتر می‌شه. بعدش هم پدرم قدر دان زحمات مادرم نیست...
مرجان ۵۳ ساله و معلم در مصاحبه‌ی تلفنی انجام می‌گوید:

خانه‌داری شغل اصلی من است و معلمی شغل دوم. خانه‌داری هنری زنانه است. بچه‌هایم دید منفی به زنان شاغل دارند و می‌گویند نمی‌خواهند زن شاغل داشته باشند. شوهرم شاغل بودنم رو زیاد دوست ندارد.

شأن و منزلت، ارزش و اعتبار اجتماعی است که به شخص یا گروه خاصی از طرف سایر افراد جامعه اعطا می‌شود. گروه‌های منزلتی معمولاً سبک‌های زندگی متمایزی دارند، یعنی از الگوهای رفتاری گوناگونی پیروی می‌کنند (امین‌فر، ۱۳۹۳: ۱۲۴). براساس مصاحبه‌های انجام شده، خانه‌داری منزلت اجتماعی بالایی در این حوزه‌ی مطالعاتی دارد. هر چند مؤلفه‌های فردی سبب کاهش منزلت خانه‌داری در نگاه برخی مصاحبه‌شوندگان می‌شود.

1. B. F. Skinner

۵-۴- خانه‌داری و ارزش اقتصادی

زنان خانه‌داری را نوعی شغل که ارزش مالی دارد، می‌دانند؛ زیرا گذشته از بررسی کیفی نقش خانه‌داری به‌عنوان محور تعلیم و تربیت، حضور زنان در خانه به معنای انجام دادن برخی امور خدماتی است که ارزش اقتصادی دارد. از این‌رو محاسبه‌ی کمی ارزش اقتصادی کار زنان در خانواده افزون بر تأثیر در شاخص‌های توسعه‌ی انسانی، پیامدها و اثرات مثبت حقوقی و فرهنگی برای زنان در بر خواهد داشت. در این رابطه برخی از مصاحبه‌شوندگان استقلال مالی را مهم می‌دانستند. عاطفه ۴۷ ساله در این باره چنین می‌گوید:

... شوهرم تمام خرید و لوازم موردنیاز را خودش خریداری می‌کنه... من فقط به امور خانه و بچه‌ها می‌رسم».

او در ادامه در مورد دخترش که تازه ازدواج کرده، می‌گوید:

دخترم مثل من نیست... او عقیده داره که خانه‌داری کاری ناپیداست... دوست داره یا خودش درآمد داشته باشه یا شوهرش بخشی از حقوقش را بهش بده....

علاوه بر این خانم کبری ۴۷ ساله می‌گوید:

خانه‌داری یعنی زندگی، رسیدن به امور خانه، یعنی ظرف و لباس نشسته نمونه. شوهرم خیلی از من راضیه. البته من نیز قدردان زحماتش هستم چون نان آور خانه است....

بدیهی است که فقط باورهای مربوط به نقش‌های مناسب برای زن و مرد نیست که مانع کنترل زنان بر منابع مالی می‌شود، بلکه واقعیت دیگری هم در این امر دخیل است و آن اینکه به‌ظاهر چه کسی پول را درمی‌آورد و چه کسی «کار نمی‌کند». بنابراین آنچه در زندگی زناشویی به مردان چنین اقتداری می‌بخشد، کنترل آنها بر منابع مالی است و همین امر موجب می‌شود که زن حتی اگر از جانب شوهر آزار روحی یا جسمی ببیند و یا در زندگی زناشویی خود احساس خوشبختی نکند ترک شوهر را دشوار بداند. البته نوع کاری که در صورت ترک شوهر و با داشتن فرزند می‌تواند پیدا کند خود مسئله‌ای است که بر این مشکل می‌افزاید (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۱۲۸). برخلاف رویکردهای جامعه‌شناختی موجود، در دیدگاه اسلامی، خانه‌داری عملی بی‌مزد و اجباری محسوب نمی‌شود، بلکه عملی است که نخست باید به انتخاب خود زن انجام شود. از سوی دیگر، با وجود شرایطی قابلیت آن را دارد که در قبال آن مزد دریافت کند، مگر آنکه خود فرد از انجام دادن این امور قصدی جز لطف و محبت به اعضای خانواده نداشته باشد که در این صورت نیز باید ارزش این لطف مکرر از چشم دیگر اعضای خانواده پنهان نماند و قدردانی در شأن آن انجام شود (امین فر، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

۵-۵- خانه‌داری و سرخوردگی

انجام‌دادن وظایف خانگی بنا بر تقسیم کار جنسیتی برای زنان تعریف می‌شود و مطابق الگوهای جامعه‌پذیری، زنان خود را با نقش‌های خانگی وفق داده‌اند و آن را امری طبیعی تلقی می‌کنند، اما به نظر می‌رسد که با بالا رفتن سطح تحصیلات و ایجاد گروه‌های متنوع اجتماعی انتظارات و توقعات زنان تغییر کرده است؛ برای مثال، امروزه بسیاری از زنان مایل‌اند که در ورای نقش‌های جنسیتی خود عمل کنند و ترکیب معقول و متوازن میان نقش‌های سنتی و مدرن از خود نشان دهند. برخی از زنان خانه‌دار جوان در مصاحبه‌های خود از وظیفه بودن خانه‌داری سخن می‌گفتند، ولی در مقابل احساس نارضایتی و سرخوردگی خود را از آن بیان می‌کردند. امینه ۳۰ ساله که لیسانس خود را تازه گرفته بود در این باره می‌گوید:

جامعه باید فرصت‌های شغلی رو برای خانم‌های تحصیل کرده فراهم کنه. من خیلی دوس دارم فعالیت اجتماعی داشته باشم چون توی خونه موندن برام یعنی مرگ. خونه‌داری و رسیدگی به بچه‌ها خوبه ولی زن نیاز داره یه قسمتی از وقتش رو تو جامعه باشه...

با توجه به رشد و پیشرفت علم و دستاوردهای ارتباطی و همچنین پیوند با بیرون، زنان تا حدودی از وضعیت اجتماعی خویش باخبر شده و همین آگاهی و مقایسه بین خود و دیگری احساس سرخوردگی و افسردگی را تشدید کرده است. در این راستا مهین ۲۷ ساله در مصاحبه‌ی خود چنین می‌گوید:

من همش نمی‌تونم تو خونه بمونم و فقط خونه‌داری کنم چون خیلی کسالت آورده. ارتباط نداشتن با محیط بیرون باعث افسردگی خانم‌ها می‌شه. از موقعی که ازدواج کردم بیشتر تو خونه هستم و از لحاظ روحی خیلی خسته و شکننده شدم و بیماری روحی پیدا کردم...

از منظر مصاحبه‌شوندگان جوان، کارهای همیشگی و تکراری خانه‌داری باعث شده است که زنان از بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی بازمانند. محدود بودن گستره‌ی اختیار و کم‌ارزش تلقی شدن خانه‌داری این احساس را شدت بخشیده است.

۵-۶- خانه‌داری و رضایت‌مندی

به باور فمینیست‌ها، الزام‌های خانه‌داری و نیز شرایط فردی و اقتصادی که کارهای خانگی در سایه‌ی آن انجام می‌شود، مانع از شکل‌گیری احساس همبستگی میان زنان می‌شود. آنها خانه‌داری را فعالیتی می‌دانند که در تنهایی انجام می‌شود و آنچه زنان را به کارهای خانه وامی‌دارد عشق و همسان‌پنداری است. زنان مایل‌اند تا جایی که ممکن است از کار در خانه احساس رضایت کنند

و چون معیارهای روشن یا پاداش کارفرمایی در کار نیست، طبعاً زنان دیگر را مبنای مقایسه قرار می‌دهند و کیفیت کار خود را با آنها می‌سنجند (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۱۷۹). مقوله‌ی رضایت‌مندی مستخرج از سه زیرمقوله‌ی سنت‌گرایی، باور مذهبی و گذراندن اوقات فراغت است.

برخی از زنان خانه‌داری را سنتی که از گذشته به‌جای مانده قلمداد می‌کنند. این سنت موجب شده تا آنها خود را با شرایط موجود وفق دهند. از آنجا که بسیاری از کنشگران در پژوهش حاضر زنان خانه‌داری هستند که مشغله‌ی اصلی‌شان خانه‌داری است، سنت‌گرا بودن آنها از جمله مسائل پیش‌بینی‌کردنی به حساب می‌آید که در پایان برخی مصاحبه‌ها نیز مشاهده شد. کنار آمدن با شرایط زندگی و سازش، الگوی غالب زندگی آنها بود؛ برای مثال زینب ۶۰ ساله که با احترام در مورد شوهرش حرف می‌زند و با لفظ حاجی او را خطاب می‌کند، می‌گوید:

... بیشتر زن‌های هم سن من سنت‌های گذشته رو حفظ کردن. زمان قدیم امکانات کم بود ولی دل‌ها خوش بود. سربلندی من تمیزی خونم هست... نمی‌دونم چرا دخترای امروزی این قدر غرور دارن....

یکی دیگر از عوامل رضایت‌مندی باور مذهبی است. انجام اعمال مذهبی بر رضایت‌مندی از ازدواج و سبک زندگی نقش دارد. برخی از زنان خانه‌دار بر این باورند که باورهای مذهبی عامل ثبات و پایداری زندگی‌شان برای مدت‌های طولانی است؛ براین اساس با الگوبرداری از ائمه رضایت‌مندی خود را از زندگی اعلام می‌کنند. زیبا ۳۵ ساله در مصاحبه‌ی خود می‌گوید:

زن خانه‌دار مثل یه کشتی برای زندگی است. الگویم حضرت زینب است. خشت اول چون نه‌د معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج. زن اگر در زندگی‌اش از همان اول ضعیف باشد و تنبلی به خرج دهد، زندگی و تربیت بچه‌هایش هم کج می‌شود.

این در حالی است که برخی از زنان راهکارهایی برای کنار آمدن با خانه‌داری و مسئولیت‌های آن داشتند. یکی از این راهکارها «پرداختن به رشد شخصی» است که شامل رفتن به مهمانی و شرکت در آیین‌های مذهبی همانند سفره‌های نذری است. به عبارتی، زنان خانه‌دار با شرکت در چنین آیین‌هایی به دنبال احیای فضای فردی‌اند. در این رابطه صغری ۳۹ ساله در مصاحبه‌ی خود می‌گوید:

...معمولاً سعی می‌کنم کارای خونه رو سر ساعت انجام بدم. ولی بعضی وقت‌ها که از کارای خونه خسته میشم با دخترم میرم و در مراسم سفره‌ی نذری همسایه‌ها شرکت می‌کنیم. وقتی در جمع هستم احساس خوبی بهم دست می‌ده و روحیه‌ام تازه می‌شه....

از دیدگاه جامعه‌شناسان زندگی انسان به سه بخش کار، فراغت و ضرورت تقسیم می‌شود. اوقات فراغت به منزله‌ی پدیده‌ای اجتماعی در الزامات و ضرورت‌های اجتماعی درگیر شده است و به خوبی می‌تواند به مثابه تجسمی از روش کلی زندگی به شمار آید. به باور فمینیست‌ها این الگو بازتاب نگرشی مردانه به دنیاست و با تجربه‌های بیشتر زنان مطابق نیست؛ برای اینکه خدمات بی‌اجر خانگی را «کار» نمی‌شناسند و هم به این دلیل که برای زنان متأهل کمتر پیش می‌آید که زمان فراغت را در بیرون از خانه سپری کنند (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۱۷۱). با توجه به اینکه گذراندن اوقات فراغت زنان جزئی از فرهنگ است و فرهنگ‌های مختلف در زمان‌های گوناگون، فراغت‌های متفاوتی را ایجاد می‌کنند، زنان خانه‌دار کوشش می‌کنند تا اوقات فراغت خود را متناسب با امور خانه‌داری و در کنار رسیدگی به امور خانه ترتیب دهند. در این باره فرشته ۴۸ ساله می‌گوید:

خانه‌داری رو دوست دارم چون باعث می‌شه سرگرم بشم. بعضی وقت‌ها نیز همسرم بهم کمک می‌کنه...

طاهره ۲۸ ساله و دیپلمه، در این باره می‌گوید:

بعد از ازدواج افسرده شده بودم تا اینکه تصمیم گرفتم خیاطی کنم. الان فراغتم را با خیاطی پر می‌کنم. کار بیرون خانه را دوست ندارم. اینجا هم به بچه‌هایم می‌رسم هم به کارهای خانه.

توجه به سنت‌ها و آیین‌ها در جامعه به گونه‌ای است که بخش مهمی از ساختارهای فرهنگی را شکل داده و در نظام اجتماعی و شخصیتی زنان خانه‌دار تأثیر می‌گذارد و می‌تواند راهکار مناسبی باشد برای افزایش رضایت‌مندی زنان خانه‌دار از موقعیتی که در آن قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی زنان از سبک زندگی خانه‌داری در شهر دیلم انجام شده است. پس از تفسیر مصاحبه‌ها، شش مقوله‌ی اصلی استخراج شد. مقوله‌ی اول «خانه‌داری و تداوم نقش» است. در جامعه‌ی مطالعه‌شده، زنان در میان گروه‌های مختلف اجتماعی به‌ویژه در مقایسه با مردان از نظر هویت‌یابی با مسائل گوناگونی روبه‌رو بودند؛ به‌ویژه آنکه از منابع لازم برای معنابخشی، تعریف و بازاندیشی در نشانگان هویتی خود برخوردار نبوده و عمدتاً منابع هویتی‌شان تحت‌الشعاع جنسیت یا خاستگاه اجتماعی و طبقاتی همسران آنها قرار گرفته است. مسئله‌ای که موجب کاهش تعامل زنان و محدود و محصور شدن آن در چارچوب نقش‌های متعارف و محول زنانه شده بود. این در حالی است که در سال‌های اخیر، رونق بازار در این شهر و رفت‌وآمد افرادی

بافرهنگ‌های مختلف و همچنین رشد و گسترش مراکز آموزشی موجب شده تا زنان این شهر نیز به دنبال نقش و هویت جدیدی باشند تا حضوری پررنگ در امور مختلف شهری پیدا کنند. طبق یافته‌های پژوهش، حس مفید بودن کار خانه‌داری در بین زنان موجب آرامش و بالا بردن اعتمادبه‌نفس در آنها می‌شود. به باور آنها خانه‌داری به‌عنوان مسئولیتی زنانه شناخته شده است و نقش‌ها و وظایف مختلفی را بر عهده‌ی زنان قرار می‌دهد و نیز همواره در طول تاریخ این مسئولیت را بدون چشم‌داشت مادی رسمی پذیرفته و انجام داده‌اند. به باور پارسونز، بسیاری از زنان و دختران برای برعهده‌گرفتن این مسئولیت تربیت شده و ملاک صحیح جامعه‌پذیری آنها، انجام هرچه بهتر و دقیق‌تر این وظایف است (Parsons, 1995:47). البته زنان خانه‌دار مطالعه شده، با توجه به شرایط و خصوصیات فردی و اجتماعی خود، کسب منزلت خانه‌داری را تحلیل و تفسیر و بخشی از وظایف و نقش‌ها را در حوزه‌ی امور خانه‌داری توصیف می‌کنند. باین‌حال، تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که هر یک از زنان بر اساس تجربه‌ی زیسته‌ی خود نگاهی مثبت و منفی به خانه‌داری دارند. یافته‌های پژوهش در این باره با اندکی اغماض با تحقیق شیکمن و کوپر هم‌خوانی دارد. همچنین شاخص تصمیم‌گیری در خانواده مشخص‌کننده‌ی میزان پدرسالاری یا مادرسالاری در خانواده است. این شاخص در تمکین زنان از مردان در امور خانه نقش مهمی ایفا می‌کند. فمینیست‌های لیبرال معتقدند که کار خانگی کاری است ظالمانه، زیرا ارزش واقعی این کار شناخته نمی‌شود. زنان با صرف وقت زیاد سعی دارند تا پوچ بودن کار خانگی را پنهان کنند؛ لذا برتری مردان در نحوه و شیوه‌ی تصمیم‌گیری در خانواده می‌تواند در ترغیب، تحریک و اجبار زنان در پذیرش خانه‌داری مؤثر باشد. در این راستا زنان با داشتن مهارت‌ها و توانمندی‌های بسیار زیاد نقش مهمی در اقتصاد خانوار و تربیت فرزندان بر عهده دارند.

یافته‌ها نشان داد، نگرش زنان جوان نسبت به خانه‌داری با زنان مسن‌تر و تغییراتی که در جهان‌بینی آنها ایجاد شده و همچنین نوع سبک زندگی ایشان متفاوت است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که زنان خانه‌داری را به صورت گوناگون معنا و تفسیر می‌کنند، آنها از طرفی امور مربوط به خانه‌داری را یکنواخت، کسالت‌آور و بی‌اجر توصیف کرده و از طرف دیگر خودمختاری، استقلال و وظیفه‌محوری خانه‌داری را ارضاکننده ارزیابی می‌کنند. در ورای هرگونه تفسیری که زنان از خانه‌داری ارائه می‌کنند، بی‌شک کار آنها واقعی و در برگیرنده‌ی خدمات نظم‌یافته و معینی است که به مردان و فرزندان ارائه می‌کنند. یافته‌های پژوهش در این باره با تحقیق قادر زاده و خلقی مشابه است. میزان رضایت و یا نارضایتی زنان از خانه‌داری بسیار متأثر از رضایت از زندگی زناشویی و درک و تصور ایشان نسبت به جایگاه مادری است. برخی از زنان در توصیف

کیفیت زندگی، داشتن «آرامش» را برابر با کیفیت زندگی می‌دانستند. به باور اینگلهارت، رضایت از زندگی بیان‌گر نگرش فرد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کند. وی متغیر میزان رضایت از زندگی را با متغیرهای همانند جنسیت و درآمد می‌سنجد و نتیجه می‌گیرد که هرچه میزان رضایت در سطوح پایین‌تری باشد، فرد در سطح بالاتری از انزوای اجتماعی و بی‌هنجاری قرار می‌گیرد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۴). به‌علاوه چگونگی مسئولیت‌پذیری و الگوبرداری دینی و مذهبی زنان در پذیرش نقش خانه‌داری و درونی‌کردن هنجارهای خانه‌داری نقشی اساسی دارد. البته زنان خانه‌دار جامعه‌ی مطالعه شده شیوه‌های گوناگونی را برای رضایت و ارتقاء سبک زندگی‌شان به کار می‌برند. شیوه‌های که بیشتر حاصل نبوغ فردی و تکیه بر توانایی‌های شخصی است؛ از جمله‌ی این شیوه‌ها ادامه‌ی تحصیل، شرکت در مراسم‌های مذهبی، برگزاری سفره‌های نذری، حضور در مهمانی‌های خانوادگی و ... بود. یافته‌های پژوهش در این باره تا حدودی با تحقیق بدری‌منش و صادقی فسایی مشابه است.

در مجموع، با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند، در نظر نگرفتن آنها به‌عنوان سرمایه‌ی اجتماعی موجب کندی روند توسعه می‌شود، زیرا لازمه‌ی رسیدن به جامعه‌ای سالم و پیشرفته، تحرک و فعالیت همه‌ی افراد است. مشارکت فعال و مؤثر زنان هم در جامعه و هم در زندگی شخصی و خانوادگی‌شان موجب بالا بردن اعتماد به نفس، حس مفید بودن، کمک به اقتصاد خانواده و حل مسائل اجتماعی را به همراه دارد. در این راستا نیاز است تا اقدامات و سیاست‌گذاری‌های لازم برای اثرگذاری بانوان فراهم شود. عاملی که می‌تواند به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی-روانی خانه‌داری، توسعه‌ی متوازن و هماهنگ و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی منجر شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش، مواردی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی درباره‌ی مهارت‌های بین فردی و خانوادگی مؤثر برای زنان و حتی زوجین در راستای پیشگیری از تعارض‌های خانوادگی و بهتر زندگی کردن می‌تواند راهگشا باشد.

- خانه‌داری نیز مانند سایر مشاغل تحت پوشش نهادهای حمایتی و بیمه‌ای قرار گیرد تا زنان خانه‌دار نیز آینده‌ای روشن داشته باشند.

- سمن‌ها یا سازمان‌های مردم‌نهاد با جذب زنان خانه‌دار در گروه‌های مختلف هنری و مهارتی می‌توانند علاوه بر اینکه زنان را از یکنواختی کار خانگی تا حدودی رها کنند، به دوری آنها از انزوای خانگی نیز کمک کنند.

- حمایت ارگان‌هایی چون شهرداری و فرمانداری از طرح‌های کارآفرینی زنان داوطلب که می‌تواند به رونق اقتصاد بومی و محلی کمک کنند.

منابع

- ◀ ابوت، پاملا و کلر والاس، (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه‌ی منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- ◀ استراوس، آنسلم و جولیت کوربین، (۱۳۸۷). *اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌ی مبنایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه‌ی بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ◀ امین‌فر، صبورا، (۱۳۹۳). «بررسی نگرش زنان جوان پیرامون منزلت نقش خانه‌داری»، دین و سیاست فرهنگی، ش ۲.
- ◀ ایمان، محمدتقی، (۱۳۹۳). *فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی (الف)*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ◀ ایمان، محمدتقی، (۱۳۹۳). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی (ب)*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ◀ اینگلهارت، رونالد، (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: کویر.
- ◀ بر، ویوین، (۱۳۸۳). *جنسیت و روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه‌ی حبیب احمدی، شیراز: نوید.
- ◀ براون، کن، (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی داود رویدل، قم: الف. لام. میم.
- ◀ بدری‌منش، اعظم و سهیلا صادقی فسایی، (۱۳۹۳). «بررسی عوامل جامعه‌شناختی رضایت‌مندی زنان از خانه‌داری (نمونه موردی شهر تهران)»، زن و جامعه، سال ۵، ش ۱.
- ◀ ساروخانی، باقر، (۱۳۸۱). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- ◀ ساعی ارسی، ایرج و زهرانیک‌نژاد، (۱۳۸۹). «سهم کار خانگی در فرایند برنامه‌ریزی‌های توسعه»، علوم رفتاری، سال ۲، ش ۴.
- ◀ صادقی فسایی، سهیلا و زهرا میرحسینی، (۱۳۹۵). «فهم خانه‌داری در بستر نقش‌های جنسیتی: مطالعه کیفی در شهر تهران»، علوم اجتماعی، سال ۲۵، ش ۷۳.
- ◀ صفری شالی، رضا و کرم حبیب‌پور گتایی، (۱۳۹۸). «سنخ‌شناسی سبک زندگی زنان شهر تهران»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۲۲، ش ۸۵.
- ◀ قادر زاده، امید و میترا خلقی، (۱۳۹۷). «زنان و تجربه‌ی طرد اجتماعی (مطالعه کیفی زنان خانه‌دار شهر سنج)»، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، سال ۱۶، ش ۱.
- ◀ کرمان ساروی، فتیحه، علی منتظری و معصومه بیات، (۱۳۹۰). «مقایسه کیفیت زندگی وابسته به سلامت زنان شاغل و خانه‌دار»، پایش، ش ۱۱.
- ◀ گرنفل، مایکل، (۱۳۸۹). *مفاهیم کلیدی بوردیو*، ترجمه‌ی محمد مهدی لیبی، تهران: افکار.
- ◀ گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

◀ مختاری، مرضیه؛ و جواد نظری، (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی کیفیت زندگی، تهران: جامعه‌شناسان.
◀ میشل، آندره، (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه‌ی فرنگیس اردلان، تهران: دانشگاه تهران.

- ◀ ندری ایبانه، فرشته، (۱۳۸۵). «خانه‌داری، اشتغال و زنان ایرانی»، بانوان شیعه، سال ۳، ش ۹.
- ▶ Benokraitis, N. (2007). *Marriages and families: changes, choices and benokraitis*. University of Baltimore.
 - ▶ Colaizzi, P.F. (1978). *Psychological Research as the Phenomenologist Views It*. In: Valle, R.S. and King, M., Eds., *Existential Phenomenological Alternatives for Psychology*, New York
 - ▶ -Dixit, P, & M. S.Khan, (2013). “Self Esteem and Life Satisfaction: A Comparative Study of Career Women and Housewives”, *Ind J Psychol Sci*, 4(1), 45.
 - ▶ Jan, M., & T. Masood, (2008). “An assessment of life satisfaction among women”, *Studies on Home and Community Science*, 2(1).
 - ▶ Kavas, S. (2010). *Post-Divorce Experience of Highly Educated and Professional Women. A Ph.D Thesis*, School of Social Sciences, Department of Sociology, Middle East Technical University.
 - ▶ Parsons, T. (1995). *Socialization&intraction process*, the free press.
 - ▶ Sandelowski, M. (1986). “The problem of rigor in qualitative research”, *Advances in Nursing Science*.8 (3).
 - ▶ Shichman, S.& E. Cooper, (2004). “Life Satisfaction and Sex role Concept”, *Journal of Sex-Role*, 11.